**دو تصویر از نادر شاه در موزه دژ سرخ دهلی**

**تفضلی، محمود**

هر مسافر خارجی که به دهلی سفر کند اگر مختصر مجال و فرصتی داشته باشد از«دژ سرخ» که معروفترین بناهای تاریخی دهلی است دیدن میکند.خود هندیان این دژ را«لال قلعه»مینامند. لال بمعنی«سرخ»است.

از آنجا که در بنای حصارعظیم قلعه و بسیاری از ساختمانهای آن سنگ‏های سرخی که در حدود دهلی فراوانست بکار رفته تمام قلعه به این نام معروف شده است.

دژ سرخ بوسیلهء شاهجهان ساخته شد و تا سال 1857 مسکن احفاد و اولاد او بود که آخرین‏ پادشاهان سلسلهء مغولان هند(یا گورکانیان هند)بودند.

در داخل این دژ ساختمانهای متعدد زیبا و مشهوریست که«دیوان عام»و«دیوان خاص»و «حمام»و«مونی مسجد»(مسجد مروارید)و ساختمانهای دیگری از آن‏جمله هستند.

برای مسافر ایرانی دژ سرخ دهلی اهمیت و ارزش بیشتر دارد زیرا در آنجا علاوه بر نفوذ معماری ایران زمان صفوی نشانه‏های دیگری از تمدن ایرانی نیز بچشم میخورد.نوشته‏ها و اشعار فارسی که بر در دیوار کاخها باقیست،نقوش و تصاویری که برای تزئین سقف‏ها و ستونها بکار رفته است طرح باغها و گل‏کاریها که مناظر باغهای ایرانی را زنده میسازد همه برای ایرانی‏ جالب است.بعلاوه دژ سرخ دهلی با لشکرکشی نادر شاه به هند هم ارتباط پیدا میکند.زیرا نادر پس از شکست‏دادن نیروهای محمد شاه گورکانی در کرنال وقتی به دهلی آمد،مدتی در کاخهای‏ همین دژ منزل داشت و هنوز هم جای خالی«تخت طاووس»که او همراه غنائم دیگر از هند آورد در روی یک تختگاه از سنگ سیاه یک‏پارچه باقیست.(تخت طاووس کنونی موجود در موزهء کاخ‏ گلستان که اصولا تخت خورشید نام داشته و در زمان فتحعلی شاه قاجار ساخته شده آن تخت معروف‏ هندی نیست.)

دربارهء نادر شاه و لشکرکشی او به هند سخن بسیار است.از آنجا که نادر یکی از سرداران‏ نامدار و بااستعداد تاریخ است ناچار آنانکه از لشکرکشیهای او سود یا زیان برده‏اند با دو دیدهء متفاوت به او مینگرند.بهمین قرار است که در تاریخ ایران از او بعنوان یک سردار بزرگ و فاتح‏ نام‏آور و دلیر یاد میکنند و به او مباهات دارند.و هندیان خاطره‏های شوم هجوم و خونریزی و قتل‏ عام او و ثروت هنگفتی را که از هند با خود برد بیاد می‏آورند و او را یک مهاجم خونریز و غارتگر می‏شمارند

مقالهء تحقیقی بسیار خواندنی آقای باستانی پاریزی که در یکی از شماره‏های یکی دو سال‏ گذشتهء مجلهء راهنمای کتاب بچاپ رسید جهات منفی خلق و خوی نادر و شخصیت او را نشان میداد.

در اینجا سخن بر سر نادر و خلق و خوی او یا قضاوت دربارهء کارهایش نیست،نادر هرچه بود به تاریخ تعلق گرفته است و یکی از شخصیت‏های تاریخی شده است و از این‏رو کشف اسناد و مطالب و واقعیات مربوط به او ارزش تاریخی‏ خواهد داشت.و به همین قرار پیدا کردن‏ تصویر و صورت نادر نیز از نظر تاریخی با ارزش خواهد بود.

یکی از تصاویر قابل توجه که‏ ازنادر شاه تاکنون منتشر شده همانست‏ که آقای لارنس لکهارت در کتاب‏ نادر شاه خود و بعد هم در کتاب دیگرشان‏ نقل کرده‏اند و در کتاب انقراض سلسله‏ صفویه ترجمهء آقای مصطفی قلی عماد (چاپ تهران 1343)در مقابل صفحهء 388 نقل شده است.

اصل این تصویر ظاهرا در موزهء آثار هندی در لندن(سادت کنسینگتن) مضبوط است.

دو تصویر قلمی دیگر از نادر شاه‏ نیز بنظر نگارنده رسیده است که میتواند باارزش باشد و مخصوصا یکی از آنها که‏ بنظر میرسد معاصر و همزمان با حیات‏ نادر شاه بوده است پراهمیت‏تر خواهد بود.این تصویرها در موزهء دژ سرخ دهلی‏ محفوظ هستند.

یکی از ساختمانهای داخل دژ سرخ‏ دهلی که«ممتاز محل»نام داشته و ظاهرا محل سکونت‏ قسمتی از اندرون سلطنتی بوده است سالهاست که بصورت موزه‏ای درآمده است.بسیاری از یادگارها و آثار تاریخی دوران گورکانیان هند در آن نگاهداری میشود.

در میان اشیاء این موزه آثار ایرانی از خطوط و مرقعات و اسلحه و لباس و مینیاتور و فرش‏ گرفته تا ظروف و سنگ‏ها و کتیبه‏های فارسی بسیار است.

دو تصویر قلمی نادر شاه نیز در همین موزه است.یکی از آنها همراه با چند تصویر و مینیاتور دیگر در جعبهء شیشه‏داری در تالار قسمت شرقی موزه بنمایش گذارده شده است و تصویر دوم در میان‏ ذخایر محفوظ در انبارهای موزه نگاهداری می‏شود.

تصویر اولی(شکل 1)یک قطعه نقاشی آب‏رنگ است که 26 سانتیمتر درازا و 19 سانتیمتر پهنا دارد.

در این تصویر نادر شاه در حالت دوزانو نشسته و به بالشی بزرگ تکیه داده است.در دست‏ چپش سیب یا میوهء دیگری را بلند کرده و دست راستش را که دستمالی را گرفته است بر روی زانو نهاده است.کلاهی به شکل مخصوص همراه با یک جقه و مزین به جواهر و مروارید بر سر دارد و اطراف‏ صورتش هاله‏ئی مدور نقش شده است.جامه‏ئی زربفت و گلدار با رنگهای طلائی و سرخ و بنفش‏ و مزین به رشته‏های مروارید جواهرنشان به تن دارد.در کنار زانوی راستش گلدانی جواهرنشان‏ روی زمین است.

در سمت راست تابلو در قسمتی‏ ریز بالش و بالای زانوی چپ نادر شاه‏ عبارت زیر که بخط نستعلیق خوانائی‏ نوشته شده است خوانده می‏شود:

«شاهنشاه جم جاه نادر شاه.بعمل‏ خیرخواه محمد پناه.»

رقم 1155 هم که محتملا تاریخ‏ تصویر است در دو طرف دایرهء«ل»بچشم‏ میخورد باین ترتیب که(11) در سمت‏ چپ(ل)و(55)در سمت راست آن‏ می‏باشد.

اگر این رقم و تاریخ درست باشد این تصویر در زمان حیات نادر شاه،یعنی‏ شش سال پیش از مرگش و پنج سال پس‏ از بازگشتش از هند کشیده شده است‏ و از این‏رو اهمیت زیادی دارد.

این تصویر در دفاتر موزهء فوق‏الذکر به شمارهء ردیف(641)و شمارهء ثبت‏ 641/40 و شمارهء کاتالوک(158/ه /1926)مضبوط است.

تصویر دوم(شکل 2)نیز یک قطعه نقاشی آب رنگ است که از تصویر اولی کوچکتر است. 18 سانتیمتر درازا و 12 سانتیمتر پهنا دارد.در این تصویر هم نادر شاه به دو زانو نشسته و بر بالشی‏ بزرگ تکیه داده است.در دو دستش شمشیری را برروی زانوان خود نگاهداشته.لباسش که‏ برنگ سرخ مایل به نارنجی است از لحاظ رنگ و نقش با تصویر اولی کمی تفاوت دارد.اما صورت و کلاهش به تصویر قبلی بی‏شباهت نیست.

پشت سرش در قسمت بالا زمینه‏ئی متمایل به آبی می‏باشد و در قسمت پائین‏تر یک دیوارهء مرمر سفید است.در این تصویر هیچگونه نوشته یا تاریخ وجود ندارد.

این تصویر در دفاتر موزه با شمارهء ردیف(631)و شمارهء ثبت 631/40 و شمارهء کاتالوک‏ (79/هـ/1926)ضبط است.

این هر دو تصویر از یک مجموعه و کلکسیون خصوصی متعلق به شخصی بنام ایمره،شویگر (Imre Schwaiger) بدست آمده است و اطلاع بیشتری از سابقهء آنها در دست نیست.

مقایسهء این دو تصویر با تصویری که در موزهء هندی لندن محفوظ است و در کتابهای آقای‏ لارنس لکهارت انتشار یافته شباهت آنها را به یکدیگر نمایان میسازد و مجموع این سه تصویر می‏تواند برای نمایاندن چهرهء نادر شاه مفید واقع شود.

(نگارنده فیلمهای رنگین مثبت و منفی این دو تصویر را برا انجمن آثار ملی فرستاده است و امیدوار است که بتوانند آنها را به اندازهء اصل و با رنگهائی که در آنها وجود دارد منتشر نمایند.)

\*\*\* تصویر دیگری هم از نادر شاه همراه با مقالاتی دربارهء او اخیرا در یکی از روزنامه‏های دهلی‏ چاپ و منتشر شده که امید است بتوانم بزودی اصل آنرا نیز ببینم و عکس و خصوصیات آنرا نیز برای استحضار محققان و دانشمندان چاپ و منتشر کنم.

تا آنجا که به‏نظر رسیده است این تصویر نیز که اصل آن هنوز در دهلیست بی‏شباهت به‏ تصاویر سه‏گانهء فوق‏الذکر نمیباشد و موقعی که عکس آن منتشر شود خواهد توانست به روشن‏شدن‏ بیشتر چهرهء نادر شاه کمک کند.

محمد روائی

ترانهء من

حدیث محفل دلدادگان،فسانهء من‏ سرود مجلس آزادگان،ترانهء من‏ بزیر چهرهء آرام خویش،چون دریا چه موجهاست ز احساس بیکرانهء من‏ هزار کوکب لرزنده رنگ می‏بازد به پیش آه من و گریهء شبانهء من‏ نبوده رسم وفا در زمین ما هرگز و یا که رخت فروبسته در زمانهء من‏ نشد بعمر خود ای آشنا شبی بینم: که نیست لانهء کابوس آشیانهء من‏ بهر کجا که جمال است و جلوه،آیت تست‏ بهر کجا که ملال است و غم،نشانهء من‏ غم من است بزرگ و لطیف و انسانی‏ سزای طاقت دوش من است و شانهء من

\*\*\*

بیا که نام تو جاوید زندگی دارد درون قالب اشعار جاودانهء من